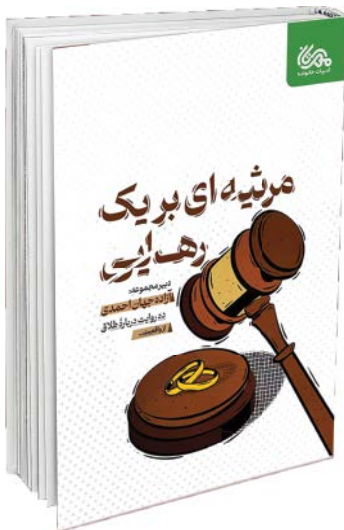


به‌گونه‌ای که بتوان گفت بعد از خواندن دریچه نوینی در برابر دیدگاه مخاطب باز می‌شود.

قرار است خواننده بعد از خواندن یک روایتی که براساس واقعیت است، به فکر فرو رود و تأثیری در نگاهش به زیست اجتماعی و شخصی مربوط به آن مسأله ایجاد شود؛ تأثیری که تغییری در روند زندگی‌اش ایجاد کند؛ نه این که فقط داستان‌گونه و خاطره‌گونه ماجرای از زندگی یک شخص را بخواند و بگذرد. خوشبختانه در مارکت ایرانی امروز دریچه نوینی رو به روایت و جستارنویسی باز شده است، حتی مجله ناداستان در شماره‌های متعددی منتشر شد که متأسفانه انتشارش متوقف شد. کتاب مرثیه‌ای بر یک رهایی از طرف نشر مهرستان در سر و شکلی مناسب چاپ و منتشر شده است.



سه روایت «اگر

مارکز بفهمد»،

«آن حفره

کوچک» و «سوی

ما آید» را بیشتر

به تعریف روایت

نزدیک دیدم



نگاهی به کتاب «مرثیه‌ای بر یک رهایی» به دبیری آزاده جهان احمدی

مرثیه‌ای بر رویای یک رهایی



الهام اشرفی

نویسنده
و ویراستار

زیر عنوان اصلی کتاب «مرثیه‌ای بر یک رهایی» نوشته شده: «ده روایت درباره طلاق»؛ طلاق که تا همین ۱۰ سال پیش امری بود پنهان‌کردنی، نگفتنی و آبروبر! ولی از جایی به بعد جامعه این اتفاق را پذیرفت و در خودش هضم و حل کرد، البته کم‌کم پذیرفت، ولی جدا شدن یک زوج حالا دیگر تابو نیست و حمایت خانواده‌ها را با خود همراه کرده است. فکر می‌کنم اولین بار سریال «در پناه تو» طلاق را به عنوان امری رهاکننده بین عامه مردم جا انداخت و خب چه مدیومی بهتر از رسانه‌ای فراگیر برای جا انداختن مفاهیم بیپوده منفور شده. به هرحال از این مفهوم به قدری ابهام زدایی شد که امروز ما کتابی را در دست می‌گیریم و می‌خوانیم که از طلاق به عنوان اتفاقی رهاکننده یاد شده است، حتی در عنوان اثر نیز این درونمایه مشخص است. گرچه از نویسندگان روایت‌ها شاید تنها یک پنجم روایت‌ها شخصی است، بقیه یا روایت دوست و آشناهایشان را نوشته‌اند یا با اسم مستعار روایت‌شان را مطرح کرده‌اند. خودم، به عنوان کسی که در

حال نوشتن روایت یا جستارگونه بخشی از زندگی‌ام هستم، درک می‌کنم که در جامعه‌ای یک پایش در مدرنیته است و یک پایش در سنت، سخت است روی دایره ریختن خود، سخت است که خودت را برای سروهمسر و دوست و آشنا عیان کنی. از این رو، چاپ و نشر کتاب مرثیه‌ای بر یک رهایی را در مارکت ایرانی و فارسی‌نویسی یک قدم روبه جلو می‌دانم.

خانم آزاده جهان احمدی، دبیر مجموعه در مقدمه کتاب تعاریفی از ناداستان، روایت و تا حدودی هم جستار ارائه داده‌اند و نیز مطرح کرده‌اند که می‌دانند خیلی از روایت‌های کتاب، طعنه به داستان و خاطره می‌زند. بله، چند روایت کتاب، به جای این‌که خواننده را درگیر مسأله چگونگی مواجهه افراد و اجتماع با مسأله طلاق بکند، به داستان پردازی، توصیف‌های پررنگ فضا و حالت‌های شخصیت‌ها پرداخته‌اند یا این‌که نویسنده به خاطره‌گویی صرف پرداخته که چه شد و روند طلاق از کجا شروع شد و به کجا انجامید و از چگونگی مواجهه بیرون به درون مسأله طلاق بازمانده‌اند.

بخش‌های سه روایت «اگر مارکز بفهمد»، «آن حفره کوچک» و «سوی ما آید» را بیشتر به تعریف روایت نزدیک دیدم. به نظرم در این سه روایت خواننده بیشتر درگیر طلاق و پیامدهایش می‌شد،

چند خط برای روایت «سور سوریه» به قلم محمد قائم‌خانی

کاویدن تاریخ سوریه

گرچه ساده به نظر می‌رسد اما هنگام مطالعه کتاب، کمبود آن خیلی احساس می‌شود. نویسنده هنر خیلی خوبی در توصیف مکان‌هایی که دیده دارد، او مشاهداتش را خیلی ادبی، تاریخی و هنری بیان می‌کند و همین هم باعث می‌شود خواننده خیلی بیشتر دلش بخواهد عکس‌های مرتبط با آن توصیفات را ببیند. جالب این‌که خود نویسنده در قسمت‌های مختلف کتاب درباره عکاسی از همان مکان‌ها سخن گفته است اما برخلاف تمام کتاب‌های سفرنامه، نه در خلال کتاب و نه در انتها، حتی یک عکس از سفر وجود ندارد. ناشر محترم می‌تواند در چاپ‌های بعدی کتاب، عکس‌های مرتبط با متن از دوربین خود نویسنده را اضافه کند.

فارغ از این نکات، سور سوریه یک سفرنامه جذاب پژوهشگرانه است که هم علاقه‌مندان به مسأله سوریه و هم علاقه‌مندان به خود‌زائر سفرنامه قطعاً از مطالعه آن پشیمان نخواهند شد. این کتاب را نشر بین‌الملل چاپ کرده است.



جنگ سوریه بوده را برشمرده، از تفاوت زندگی مردم قبل از جنگ و ورود داعش و پس از آن گفته، این‌به تاریخی سوریه مانند قلعه حلب و مسجد اموی را از لحاظ ظاهری، تاریخی و رویدادی بررسی کرده و خلاصه یک سفرنامه تحلیلی و در عین حال جذاب ارائه داده. کتاب در یک سوم ابتدایی بسیار سرحال و خواندنی است اما در یک سوم میانی کتاب دچار یک رخوت نسبی می‌شود. ذکر جزئیات به درد نخور و غیرلازم از بعضی درگیری‌های جنگ، بدون نقشه‌های جغرافیایی، آن هم در چندین صفحه پشت سر هم، خواننده را خسته می‌کند.

سور سوریه یک کمبود اساسی دارد و آن غیبت عکس‌های مرتبط با متن سفرنامه است. این مورد

کتاب «سور سوریه» یک سفرنامه تحلیلی و پژوهشگرانه از سفر چند تن از اهالی فرهنگ (که انگار همگی شهرستان ادبی هستند)، به سوریه است. متأسفانه ما کتاب‌هایی مانند سور سوریه درباره سوریه خیلی کم داریم. بعد از حدود یک دهه حضور فعال و نزدیک ایران در سوریه، ما به تعداد انگشتان یک دست هم کتاب درجه یک و تبیینی درباره ماجرای سوریه و حضور ما در آنجا نداریم. وقتی اسم تبیین می‌آید، لزوماً نباید فکرم‌ان به سمت کتاب‌های خاص کت و کلفت و پیچیده برود. کتاب تبیینی می‌تواند مثل همین سور سوریه باشد؛ در قالب یک سفرنامه، جذاب، دلنشین، تحلیلی، برخواسته از فکر و مسأله، با یک نثر ادبی تمیز.

آقای محمد قائم‌خانی، در سفرنامه‌اش فقط به ذکر کجا رفتیم و چه کردیم و چه دیدیم و چه خوردیم و چه گفتیم نپرداخته. یک سفرنامه خوب، گرچه این‌ها هم هست اما «فقط» این‌ها نیست. او در سفرنامه‌اش تاریخ سوریه را کاویده، آداب و سنن مردم را بررسی کرده، دلایلی که فکر می‌کند زمینه‌ساز

به قلم نوجوان

درباره کتاب «کیک تولد» اثر نورد کوئیست

درباره دیگران حرف نزیم



فهمیدم مردم درباره آقای پیتر اشتباه می‌کردند. اتفاقاً آقای پیتر بسیار مرد باهوش و مهربانی بود که به کسی آزاری نمی‌رساند. او فقط برای خودش و شادی گربه‌اش که تنها دوست او بود تلاش می‌کرد، حتی برای شادی گربه‌اش سه بار در سال تولد می‌گرفت. کتاب داستان را که بخوانیم متوجه مهربانی او می‌شویم.

وقتی کتاب را می‌خواندم به نقاشی‌هایش هم بسیار دقت می‌کردم، چرا که مناظر و مزرعه و خانه آقای پیتر بسیار زیبا بود و رنگ‌های قشنگی داشت، طوری که با مامانم دوست داشتیم آنجا زندگی کنیم اما در کتاب اسم تصویرگرش را نیاورده بود. کتاب را نشر مهرآموز منتشر کرده است.



آرژیکا عمادی

نوجوان
کتابخوان

کتاب «کیک تولد» را خانم کلاس دومم، خانم نفری که بسیار مهربان است به ما دانش‌آموزان هدیه داد. وقتی کتاب داستان را خواندم به این نتیجه رسیدم که خیلی وقت‌ها نباید به حرف مردم در مورد بقیه گوش بدهیم و این‌که نباید دیگران را قضاوت کنیم. در داستان کیک تولد، مردم در مورد آقای پیتر حرف‌های بدی می‌زدند، مثلاً می‌گفتند او دیوانه است یا می‌گفتند او فراموشکار و حواس‌پرت است، ولی وقتی داستان را خواندم،